



نحوه پذیرش واژگان مصوب فرهنگستان در جامعه و راه‌کارهایی جهت علمی کردن زبان فارسی

رضا یل شرزه *

(نویسندهٔ مسئول)

استادیار- مطالعات ترجمه- دانشگاه شهید مدنی آذربایجان- تبریز- ایران

Email: r.yalsharzeh@azaruniv.ac.ir



چکیده

فرهنگستان زبان و ادب فارسی در تلاش جهت پویایی و علمی کردن این زبان، اقدام به ترجمه واژگان حوزه‌های گوناگون دانش به زبان فارسی می‌کند. با این حال، حجم گسترده واژگان علمی خارجی در زبان فارسی و عدم استقبال مطلوب بخش‌هایی از جامعه ایران از برخی واژگان نوساخته، علمی شدن این زبان را در معرض تردیدهای فراوان قرار داده است. مقاله حاضر به منظور پی‌بردن به دلایل عدم استقبال مطلوب جامعه از واژگان مصوب فرهنگستان در تحقیقی کیفی از نوع تحلیل محتوا و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر فرد ماهر به بررسی مصاحبه‌های ده تن از اساتید زبان و ادبیات فارسی با خبرگزاری ایسنا و مصاحبه‌های رئیس فرهنگستان و معاون گروه واژه‌گزینی این نهاد با خبرگزاری‌های تسنیم و باشگاه خبرنگاران جوان پرداخته و با تحلیل محتوی این گفت‌وگوها با استفاده از نظریه تحلیل محتوا بران و کلارک (۲۰۰۶) نتیجه گرفته است که «دلایل سیاسی»، «توجه مردم به زبان فارسی»، و «ضعف فرهنگستان در واژه‌گزینی» از علل عدم استقبال از این واژگان است. سپس، با بهره‌گیری از مفاهیم نظری چون مدرنیت و روشنگری و با رویکردی تحلیلی- تطبیقی ضمن بررسی عوامل زمینه‌ساز رشد زبان‌های علمی اروپایی به مقایسه این زمینه‌ها با ترتیب فکری جامعه ایران در دوران تمدن اسلامی و دوران معاصر پرداخته و استدلال کرده است که علمی شدن زبان فارسی تنها با ترجمه اصطلاحات خارجی محقق نمی‌شود؛ بلکه، این امر منوط به تحقق شرایطی چون بسط گفتمان تولید علم در کشور و پرورش روحیه علمی است تا ذهنیت و روح علمی را در جامعه ایرانی بدمد تا زبان فارسی بتواند در بطن آن رشد یابد و به زبانی علمی بدل گردد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴
تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۰
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

زبان علم، زبان فارسی،
خردگرایی، گفتمان تولید
علم، عصر روشنگری

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2021.327341.866

یل شرزه، رضا. (۱۴۰۰). نحوه پذیرش واژگان مصوب فرهنگستان در جامعه و راه‌کارهایی جهت علمی کردن زبان فارسی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۱ (۴)، ۶۹۷-۷۱۲.

Yalsharzeh, R. (2021). The Reception of the Words Approved by the Academy in the Society and Some Proposals to Make Persian a Scientific Language. Foreign Language Research Journal, 11 (4), 697-712.

* رضا یل شرزه استاد یار مطالعات ترجمه دانشگاه شهید مدنی آذربایجان- تبریز است. جامعه‌شناسی ترجمه، تحلیل گفتمان و نظریه روایت از علائق پژوهشی وی به شمار



The Reception of the Words Approved by the Academy in the Society and Some Proposals to Make Persian a Scientific Language



Reza Yalsharzeh *

(corresponding author)

Assistant Professor, Translation studies- Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz. Iran

Email: r.yalsharzeh@azaruniv.ac.ir

ABSTRACT

The Academy of Persian Language and Literature has set out to translate the scientific terms of various fields of knowledge into Persian to make Persian a dynamic and scientific language. However, the large volume of foreign scientific terms in Persian and the unfavorable reception of some newly coined words by some parts of Iranian society have exposed the scientific nature of this language to many doubts. To find out the reasons for the resistance of the society against the words approved by the Academy, the present article examines the interviews of ten professors of Persian language and literature with ISNA News Agency and the interviews of the President of the Academy and the Deputy of Word Selection Section with Tasnim and Young Journalists Club. From the analysis of these conversations using the content analysis of Braun and Clarke (2006), it is concluded that "political reasons," "people's attention to the Persian language," and "weakness of the academy in word coinage" are the main reasons for this resistance. Then, with a historical, analytical, and comparative approach, while examining the underlying factors that contributed to the growth of European scientific languages, the researcher compared these factors with the intellectual order of Iranian society during the Islamic civilization and the contemporary era and concluded that the scientificization of Persian language cannot be realized by only translating foreign terms into Persian. Instead, it depends on the realization of conditions such as the expansion of science production discourse in the country and the development of the scientific spirit.

DOI: 10.22059/JFLR.2021.327341.866

ARTICLE INFO

Article history:

Received: July 18, 2021

Accepted: September 26, 2021

Available online:
winter2021

Keywords:

*Persian language,
scientific language,
rationalism, science
production discourse,
Enlightenment*

Yalsharzeh, R. (2021). The Reception of the Words Approved by the Academy in the Society and Some Proposals to Make Persian a Scientific Language. *Foreign Language Research Journal*, 11 (4), 697-712.

* Reza Yalsharzeh holds a Ph.D. degree in Translation Studies from the University of Isfahan. He has been an academic member of Azarbaijan Shahid Madani University since 2020. His main research areas are Sociology of Translation, Narrative Theory, and Discourse Analysis.

واژگان سیاسی مصوب فرهنگستان در بخش سیاسی مطبوعات گزارش داده است که از مجموع ۱۹۶ واژه مصوب تنها ۴۴ مورد در جامعه آماری این پژوهش به کار رفته است. جمالی (۱۳۹۰، Jamali)، رستمی (۱۳۹۳، Rostami) و خانزاده (۱۳۹۵، Khanzadeh) نیز به نتایج مشابهی دست یافته‌اند.

در همین راستا، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در خرداد و تیر ماه سال ۱۳۹۹ در سؤالی با عنوان «شوخ‌با واژه‌های فرهنگستان از کجا می‌آید؟» علت عدم استقبال مردم از واژه‌های مصوب فرهنگستان را از ده نفر از اساتید زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های کشور و صاحب‌نظر در امر واژه‌گزینی جویا شد. خبرگزاری‌های تسنیم و باشگاه خبرنگاران جوان نیز با طرح سؤالی مشابه علت عدم جا افتادن واژه‌های مصوب فرهنگستان را از رئیس و معاون گروه واژه‌گزینی این نهاد جویا شدند. با توجه به موارد ذکر شده و بلااستفاده ماندن برخی از واژگان پیشنهادی فرهنگستان، سؤال اینجاست که آیا می‌توان به صرف ترجمه لغات و اصطلاحات فنی و تخصصی ادعای علمی بودن زبان فارسی را کرد؛ یا اینکه، در تلاش جهت علمی کردن زبان فارسی لوازم و ملزومات دیگری مورد نیاز هست؟

نویسنده جهت پاسخ به سؤال فوق نخست علل عدم رواج در خور توجه واژگان مصوب فرهنگستان در جامعه را بر اساس مصاحبه‌های اساتید زبان فارسی با خبرگزاری ایسنا و همچنین مصاحبه‌های رئیس فرهنگستان و معاون گروه واژه‌گزینی این نهاد با خبرگزاری‌های تسنیم و باشگاه خبرنگاران جوان به دست خواهد داد؛ سپس، با استفاده از مفاهیم نظری مدرنیت (Modernity) و روشنگری (Enlightenment) و با رویکردی تحلیلی- تطبیقی (Comparative- descriptive) به بررسی سیر تحول فکری انسان غربی از رنسانس (Renaissance) تا دوران پست‌مدرن (Post Modern) خواهد پرداخت و با مقایسه این روند با جریانات فکری خردگرا و خردگریز در جهان اسلام در دوران اوج تمدن اسلامی در قرون سوم و چهارم هجری و همچنین تاریخ معاصر ایران در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی به بررسی تأثیرات افول مکتب خردگرا (Rationalism) در جهان اسلام بر اندیشه ایرانی و

زبان فارسی در دوران کنونی گرفتار سیل ورود واژگان خارجی در تمامی عرصه‌های دانش است که مشخصه اصلی آن کاربرد بی‌رویه اصطلاحات غیرفارسی در بین متخصصان و اندیشمندان علوم مختلف می‌باشد. آشوری (۱۳۹۷، Ashuri)، دلیل این امر را تکوین مفاهیم و عناصر اصلی جهان مدرن بیرون از دایره تجربه و زندگی اجتماعی و تاریخی ایرانیان می‌داند که چون از سنت و گذشته تاریخی آنان برنخواسته است زبان فارسی برای اشاره به این مفاهیم اسباب فراهمی از واژگان و شیوه گفتار ندارد. منصورى (۱۳۷۴، Mansouri) رویارویی ایرانیان با تمدن غرب را زمینه‌ساز پیدایش مفهوم زبان علم در ایران می‌داند و بر این باور است که اکثر متخصصان و اندیشمندان ایرانی در تلاش جهت انتخاب زبانی علمی برای کشور، رای به انتخاب زبان فارسی به‌عنوان زبان علم داده‌اند. دغدغه علمی شدن زبان فارسی زمینه‌ساز تاسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی (Persian Language Academy) در ایران شد به-طوری‌که در سال ۱۳۱۴ در دوران پهلوی اول نخستین فرهنگستان فارسی با هدف معادل‌یابی و پیرایش این زبان از واژگان بیگانه تاسیس گردید. فرهنگستان وظیفه پالایش زبان فارسی از واژگان بیگانه را بی‌وقفه ادامه داده است و در طی سه دوره فعالیت خود مشغول واژه‌سازی و غنی کردن گنجینه واژگانی زبان فارسی بوده است.

تکاپوی فکری ایرانیان جهت علمی کردن زبان فارسی، در ترجمه اصطلاحات فنی رشته‌های مختلف به خوبی قابل مشاهده است. با این حال، به نظر می‌رسد که واژگان مصوب فرهنگستان با استقبال گرم جامعه کنونی ایران روبرو نمی‌شوند که این موضوع در تحقیقات متعددی نشان داده شده است. به‌عنوان مثال، درخشان (۱۳۹۲، Derakhshan) در تحقیقی جهت پی بردن به میزان استقبال دانشگاهیان دانشگاه شیراز از واژگان مصوب فرهنگستان به این نتیجه رسیده است که میل و رغبت به سمت واژه‌های بیگانه در اکثر موارد، بیشتر از واژه‌های پیشنهادی فرهنگستان است و واژه‌های فرهنگستان مورد استقبال کمتری قرار گرفته‌اند. کشاورز (۱۳۸۸، Keshavarz)، نیز در تحقیقی پیرامون میزان استفاده از

همچنین ورود لجام‌گسیخته تفکر غربی از طریق ترجمه به کشور در دوران معاصر خواهد پرداخت و استدلال خواهد کرد که چگونه ترجمه بی‌ضابطه و سیل‌وار آثار غربی، اندیشه و تفکر ایرانی و به تبع آن زبان فارسی را تحت تأثیر خود قرار داده است. سپس، پیشنهادهایی را جهت پویایی و علمی شدن این زبان ارائه خواهد داد.

۲. پیشینه تحقیق

اکثر تحقیقات انجام گرفته در حوزه واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی در زبان فارسی با دیدگاهی صرفاً زبانی به مسئله زبان علم می‌نگرند و در صددند تا با ارائه راهکارهایی جهت فعال کردن قدرت واژه‌سازی زبان فارسی هویت زبانی فارسی را در برابر هجوم واژگان خارجی حفظ نمایند. مجموعه مقالات اولین و دومین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی که توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲ منتشر شد موبد این نکته است. این تحقیقات کمتر به مسئله روح علمی و لزوم تقویت اندیشه‌ورزی در میان ایرانیان پرداخته‌اند که می‌تواند پاسخی در خور توجه در راستای علمی کردن زبان فارسی در کشور باشد. به‌عنوان مثال، نعمت‌زاده (۱۳۷۸، Nematzadeh) جهت فعال‌سازی واژه‌سازی در زبان فارسی از مفهوم استدلال مدد می‌گیرد و ضمن تقسیم استدلال به انواع مختلف استدلال سابقه، هم‌آوایی، هماهنگی، نگرش و گرایش توصیه می‌کند که نوواژگان ساخته شده در علوم مختلف، با واژگان موجود در آن علوم به طریقی هماهنگی داشته باشند. به عبارت دیگر، این پژوهشگر معتقد است واژه‌های جدید ساخته شده می‌باید از لحاظ دستوری و آوایی با سایر واژگان موجود در زبان هماهنگ باشند.

معصومی (۱۳۸۲، Masoumi) نیز با تأکید بر اهمیت واژه‌سازی، این فرایند را راهی جهت حفظ استقلال زبان فارسی در برابر زبان‌های خارجی می‌داند و معتقد است که اگر زبانی غیر از فارسی به‌عنوان زبان علم در ایران انتخاب شود لایه‌های مختلف اجتماعی و توده‌های مردم از علم بیگانه شده و رابطه آنان با علم قطع می‌شود. همچنین، وی ضعف دیگر این انتخاب را جدایی نخبگان علمی از مردم

می‌داند که ممکن است عواقب متعدد اجتماعی به همراه آورد. سمیعی (۱۳۷۸، Samiei) نیز با اشاره به امکانات زبان فارسی در واژه‌گزینی، ترکیب و اشتقاق را دو ابزار موثر در این راه می‌داند و معتقد است که ترکیب و اشتقاق دو ابزار اصیل واژه‌سازی در زبان فارسی هستند. وی ترکیب صرفی و گروهی، اشتقاق با ندها و وند واره‌ها، وام‌گیری از زبان‌های بیگانه با تصرف زبانی، وام‌گیری از زبان‌های مرده هم‌خانواده و وام‌گیری از گویش‌ها را از راه‌های واژه‌سازی در فارسی بر می‌شمارد.

کافی (۱۳۷۴، Kafi) نیز در مقاله‌ای با عنوان مبانی علمی واژه‌سازی و واژه‌گزینی ساخت مصدر را یکی از بهترین راه‌های واژه‌گزینی می‌داند که به تبع آن می‌شود واژگان بسیاری تولید کرد. وی اقبال مردم به واژگان جدید را به سه ویژگی فرهنگستان یعنی صلاحیت، مقبولیت و قدرت و نفوذ آن ارتباط می‌دهد و معتقد است مقبولیت عام داشتن فرهنگستان پذیرش نوواژگان را از سوی مردم تسهیل می‌کند. منصور (۱۳۷۸، Mansouri) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «واژه‌گزینی: تهاجم یا نظریه فرهنگی» معتقد است که عمل واژه‌گزینی و ترجمه اصطلاحات زبان‌های بیگانه به زبان فارسی تنها در ظاهر کلمات خارجی را پوششی بومی می‌دهد و با توجه به هویت جدانشدنی زبان و اندیشه، ترجمه واژگان خارجی باعث ورود اندیشه خارجی به زبان فارسی می‌شود و این یعنی پذیرش نظام تفکری و فرهنگ غرب در عمیق‌ترین لایه‌های آن. گلکار و همکاران (۱۳۹۰، Golkar et al) نیز با پرداختن به تغییرات آوایی وام‌واژه‌های روسی در زبان فارسی به بررسی روندهای کلی وام‌گیری و تغییرات حاصل از آن از این زبان پرداخته‌اند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اکثر مقالات حوزه زبان علم تنها به بررسی فرایندهای زبانی واژه‌گزینی در زبان فارسی پرداخته‌اند و بررسی عمیق‌تر مسئله زبان علم در کشور را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های این حوزه بررسی وضعیت

تاریخی زبان فارسی در دوران معاصر و تلاش جهت ارائه پیشنهادهایی در راستای رفع واپس ماندگی‌های تاریخی این زبان است. پژوهشگر تحقیق حاضر با اتخاذ رویکردی تحلیلی-تطبیقی استدلال خواهد کرد که دستیابی به زبانی علمی و به تبع آن ارتقاء جایگاه زبان فارسی تنها با بررسی امکانات واژه‌سازی و برگردان فارسی واژگان تخصصی میسر نمی‌شود؛ بلکه، عوامل دیگری در میان دخیل‌اند که در این تحقیقات کمتر به آن‌ها اشاره شده است.

رنسانس، روشنگری و مدرنیسم

پیدایش علم نوین در اروپا بعد از رنسانس سبب ایجاد پروژه بیکران شناخت در غرب شد و انسان و توانمندی‌های وی را در مرکز توجه خود قرار داد. این حرکت عظیم فکری که به زعم هال (Hale, 2003) واکنشی به عقاید قرون وسطایی به شمار می‌رفت تأثیرات بسیاری از نهضت ترجمه تودلو در قرن ۱۳ پذیرفته است؛ به طوری که، به اعتقاد کوریک (Corrick, ۲۰۰۶)، ترجمه آثار عربی به زبان‌های اروپایی و یافتن دوباره کتب یونانی و رومی باستان، در پیدایش این جنبش عظیم فکری نقش موثری داشته‌اند. پیدایش اومانیسم در دل جنبش رنسانس ضمن احیای مطالعه آثار کلاسیک یونانی که برک (Burke) از آن به عنوان دانش نو یاد می‌کند به ظهور تفکری انجامید که به انسان، ظرفیت‌ها، اعمال و دستاوردهای او جایگاهی ارزشمند بخشید.

به اعتقاد کوریک (Corrick, ۲۰۰۶)، جنبش رنسانس و انسان‌گرایی حاصل از آن منجر به ظهور عصر روشنگری و خردگرایی (Rationalism) در اروپای قرن هفدهم گردید و نیروی خرد انسانی و روش علمی را جهت پاسخ‌گویی به مسایل جهانی مورد تأکید قرار داد. با فرا رسیدن انقلاب صنعتی در قرون هجدهم و نوزدهم، روح علمی در قلمروی فکر اروپاییان میدان پهناوری برای خود یافت و تلاش انسان جهت کنترل تمامی ابعاد هستی ضمن گسستن پیوند وی با طبیعت، عالم هستی و هر چه در آن هست را به ایژه شناخت انسان تبدیل کرد. با پشت سر نهادن انقلاب صنعتی بشر وارد دوران تازه‌ای از حیات خود یعنی مدرنیسم گردید. تفکر مدرنیسم با طبیعت باوری،

اطمینان عمیق به خرد انسانی، فردگرایی (Individualism) و شکاکیت (Skepticism)، بر خودمختاری و توانایی انسان در شناخت هستی تأکید فراوانی کرد. این تفکر که در شناخت‌شناسی خود عینیت‌گرایی را در پیش گرفته است بر روشنگری و واقع‌گرایی متافیزیکی‌اش استوار است. خودمختاری حاصل از تفکر مدرن و روح علمی برخاسته از آن، همه پدیدارها و ایژه‌های جهانی را در برابر ذهن و حس انسانی قرار داد و چیرگی بشر بر پهنه طبیعت پس از انقلاب صنعتی شور و شتابی شگرف در انسان کنشگر غربی جهت فهم جهان هر آن چه در آن است را به بار آورد. به زعم آشوری (۱۳۹۷)، درست در این روند تاریخی بود که زبان‌های اروپایی نیز همپای روح علمی پدیدار گشته حاصل از نگاه اومانستی به انسان بالیدند و به تدریج متکامل شدند و به مرتبه زبان علمی رسیدند.

زبان علم

به اعتقاد آشوری (۱۳۹۷)، روح علمی متولد شده در غرب جهت توصیف دقیق ایژه‌های شناسایی انسان زبان علمی را طلب می‌کرد، زبانی که از ارزش‌های داوری به دور است و زبانی ویژه اهل تخصص و فن است. آشوری (۱۳۹۷) در تعریف زبان علم این نوع زبان را دارای کارکرد و ویژگی‌های متفاوتی از زبان روزمره می‌داند و نگاه عینی و دقت منطقی آن را وجه تمایز این زبان از زبان روزمره می‌داند. آشوری در ادامه، زبان علم را زبانی عاری از پیش‌داوری‌های اخلاقی و اجتماعی زبان روزمره می‌داند و بر دقت و وضوح واژگانی آن تأکید می‌کند. زرنیخی (۱۳۸۲)، Zarniki نیز زبان علم را زبانی مجهز به واژگان تخصصی علوم مختلف می‌داند و به نقش آن در توسعه ملی کشورها اشاره می‌کند. وی واژگان تخصصی را از مؤلفه‌های زبان علم بر می‌شمارد و زبان علم را ابزار مهم توسعه علمی قلمداد می‌کند. درست به همین علت است که فرهنگستان زبان فارسی در راستای علمی کردن و غنی کردن گنجینه واژگانی این زبان اقدام به برگردان واژگان تخصصی به زبان فارسی می‌کند.

جریانات روشنگری و ضد روشنگری در غرب

تاکید بر استفاده بیش از حد از نیروی تعقل جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه بشری واکنش‌های زیادی در کشورهای غربی برانگیخت. این واکنش‌ها را می‌توان به طور کلی از جانب رومانیتیک‌های آلمانی (German Romanticism) (2006)، احساسات‌گرایان (Sensualism) قرن ۱۸ (1999) و پست‌مدرن‌ها (2011) دانست. روسو (1762، Rousseau)، یکی از پیشگامان جنبش احساسات‌گرایی، پیشرفت علوم و فنون را موجب تباهی انسان می‌دانست و با تأکید بر شور و احساسات انسانی اعتقاد داشت که وابستگی صرف به تفکر منطقی به‌عنوان راهنمای دستیابی به حقیقت نمی‌تواند انسان را به هدف خود برساند. وی معتقد بود که نهادهای اجتماعی زندگی مدرن، انسان را از آزادی‌های طبیعی‌اش محروم ساخته‌اند. اما، به زعم کوریک (2006)، توجه گسترده به عواطف انسانی واکنشی جهت رد کردن تمام عیار عقل و دستاوردهای رنسانس و روشنگری که همانا انسان‌گرایی است نبود؛ زیرا، به گفته پیتر گی (Gay، ۱۹۶۹) اروپاییان احساسات‌گرایی را پیشروی طبیعی جنبش روشنگری می‌دانستند.

بایزر (Beiser، 2006)، جنبش رمانتیک‌های آلمانی را واکنش دیگری به جریان روشنگری در غرب می‌داند. این جنبش فکری که در قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم شکوفا شد با تأکید بر مفهوم بیلدونگ (Bildung) به معنای خود تحقق بخشی (Self-actualization)، بر پروراندن تمامی قوای انسانی در قالب یک فرد تأکید کرد و عدم توجه به احساسات و عواطف انسانی در جنبش روشنگری را به چالش کشید. به اعتقاد رومانیتیک‌ها «نه تنها عقل بلکه حسانیت و نه تنها خرد که حس و احساس نیز باید تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند» (73: 2006). اما به اعتقاد بایزر (2006)، رمانتیک‌های آلمانی علی‌رغم انتقاد از روشنگری طرفدار آن نیز بودند. آن‌ها بیشترین ارزش را به اهمیت قوای نقادی عقل به‌خصوص حق فرد در انتقاد از همه باورها می‌دادند که کاملاً با روح علمی اروپاییان هماهنگ بود.

به اعتقاد هیکس (Hicks، 2011)، جنبش فکری دیگری که به رد کردن عناصر اصلی جریان روشنگری

دست زد جنبش پست‌مدرنیسم بود. وی معتقد است پست‌مدرنیسم خرد و فردگرایی را که کل جهان روشنگری بر آنها استوار است مردود شمرد. به اعتقاد گری (1995: 145، Gary) فیلسوف آمریکایی «ما امروز در میان ویرانه‌های تاریخ پروژه روشنگری زندگی می‌کنیم، که همانا پروژه مسلط دوران مدرن است.» هیکس (2011) معتقد است که جنبش پست‌مدرن با متافیزیک ضد واقع‌گرایانه خود و شناخت‌شناسی ذهنیت‌گرای اجتماعی خود، بر ساخت‌گرایی واقعیت اجتماعی تأکید دارد و عینیت‌گرایی مدرن را مردود می‌شمارد. بسیاری از پست‌مدرن‌های غربی چون دریدا، فوکو، لیوتار و رورتی، خرد را از آن جهت مورد حمله قرار می‌دهند که معتقدند تمدن غربی به نام خرد، حقیقت و واقعیت را به بند کشیده است؛ به‌طوری‌که، لیوتار (1984، Lyotard) خرد و قدرت را یکی می‌داند و فوکو (1982، Foucault) نیز دانش را به نمود قدرت اجتماعی فرو می‌کاهد.

نهضت ترجمه بغداد و جریانات خردگرا و خردگریز در جهان اسلام

در دوران خلافت عباسیان بر سرزمین‌های اسلامی حرکت عظیمی جهت ترجمه آثار فارسی، سانسکریت و یونانی به زبان عربی آغاز شد. میریام سلامه کار (۱۳۷۵، Salame car) قرون سوم و چهارم هجری را سال‌هایی پرتلاش جهت برگرداندن آثار فلسفی و علمی یونانیان به زبان عربی می‌داند. کربن (۱۳۷۳، Carbon) خواستگاه فلسفه اسلامی را یونان باستان می‌داند و معتقد است که با تأثر از اندیشه‌های یونانی سه جریان بزرگ فلسفی اسلام یعنی فلسفه مشاء، اشراق و حکمت متعالیه در آن زاده شدند. به اعتقاد آقاجانلو (۱۳۹۵، Aghajanjou)، علوم یونانی، ایرانی و هندی پس از ورود به جهان اسلام به رشد و بالندگی رسیدند؛ به‌طوری‌که، شرح ابن رشد بر متافیزیک ارسطو به مهم‌ترین کتاب برای فهم فلسفه ارسطو تبدیل شد. روزنتال (۱۳۸۶، Rozentel) نیز روند ترجمه در دوران خلافت اسلامی را ترجمه به همراه تصحیح می‌داند و شرحی که اندیشمندان مسلمان بر ترجمه آثار یونانی می‌نگاشتند را سبب تعالی این آثار می‌داند. به زعم گوتاس (2001، Gutas)، نهضت ترجمه بعد از دو قرن وارد

مرحله نگارش آثار مستقل می‌شود و طبق گفته فاختوری (۱۳۹۳، Fakhori) مسلمین فلسفه را از جایی آغاز می‌کنند که حکمای یونان به پایان رسانده بودند؛ به طوری که، در این دوران توسعه دانش‌های انتقال یافته و نقد و ارزیابی آنها جای ترجمه را گرفت.

ظهور بزرگانی چون ابن‌سینا، فارابی، رازی و ابوریحان بیرونی در قرون سوم و چهارم هجری که نمایندگان بزرگ جذب، تحلیل و بسط اندیشه یونانی‌اند جوانه‌های روح علمی را در جهان اسلام به نمایش گذاشت. اما، به اعتقاد آشوری (۱۳۹۷)، جهاد بزرگ ابوحامد غزالی با یونانیت و غلبه اندیشه اشاعره بر جریان خردگرای معتزله سبب افول این جریان خردگرا در جهان اسلام گردید و به تقویت ظاهرگرایان عقل‌گریز در جهان اسلام انجامید. این جریان بنیادگرای افراطی با هدف نابودی عقل فلسفی به مبارزه با جریان عقل‌گرایی پرداخت که در جریان نهضت ترجمه رشد کرده و بالیده بود که این امر سبب آسیب شدید به جریان خردگرا در جهان اسلام شد آسیبی که متوجه زبان و سیر پیشرفت آن نیز شد.

دوره معاصر: نفوذ فزاینده غرب و طرح ترجمه انتقادی

همان‌گونه که ورود اندیشه‌های یونانی در دوران خلافت عباسیان سبب پیدایش تکاپوی فکری عظیمی نزد دانشمندان مسلمان شد، ورود اندیشه‌های غربی در دوران معاصر نیز پیشرفت‌های عظیمی در حوزه اندیشه و تفکر ایرانیان پدید آورد که از مهمترین نمودهای آن می‌توان به مدرنیزاسیون فزاینده کشور اشاره کرد. با این حال، ورود لجام گسیخته آرای غربی به کشور به خصوص در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی موجی از مخالفت‌ها را در کشور به راه انداخت؛ به طوری که، به گفته آبراهامیان (1982، Abrahamian)، در سال‌های پایانی رژیم شاهنشاهی روشنفکران ایرانی روحیه ضد امپریالیستی انقلاب ایران را می‌ستودند. نقش و تلاش هدفمند شماری از ناشران ایرانی در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی در گسترش ورود اندیشه غربی به ایران را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت؛ به طوری که، به اعتقاد امامی (۱۳۸۵، Emami) مؤسسات انتشاراتی فرانکلین و بنگاه ترجمه و نشر کتاب به‌طور هدفمندی به ترجمه و انتشار

آثار غربی در کشور می‌پرداختند. اما، همان طور که محققانی چون ملانظر (۱۳۹۵، Mollanazar) معتقدند در دوران کنونی ورود افسارگسیخته اندیشه غربی به کشور و توجه بیش از حد به ترجمه مانعی در برابر شکوفایی اندیشه اصیل و بومی ایرانی گشته است که برای مقابله با آن می‌توان به ترجمه انتقادی و همچنین تحشیه‌نویسی، نقدنویسی، رديه‌نویسی و توضیح‌نویسی بر آثار غربی همت گماشت.

۳. روش تحقیق

مقاله حاضر نخست جهت پی‌بردن به علل عدم استقبال مطلوب بخش‌هایی از جامعه ایران از واژگان مصوب فرهنگستان در مطالعه‌ای کیفی از نوع تحلیل محتوا (Thematic analysis) و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند مبتنی (Expert sampling) بر فرد ماهر به تحلیل محتوای مصاحبه‌های ده تن از اساتید زبان و ادبیات فارسی صاحب‌نظر در امر واژه‌گزینی که در خرداد و تیر ماه سال ۱۳۹۹ با خبرگزاری ایسنا انجام شد و همچنین گفت‌وگوی رئیس فرهنگستان و معاون گروه واژه‌گزینی این نهاد با خبرگزاری‌های تسنیم و باشگاه خبرنگاران جوان پرداخته است. به منظور تحلیل محتوای داده‌های کیفی بدست آمده و جهت رسیدن به مفاهیم مهم و اصلی مصاحبه‌ها، از نظریه تحلیل محتوا بران و کلارک (2006، Braun and Clarke) استفاده شد؛ بدین نحو که، ابتدا سخنان اساتید زبان فارسی در پاسخ به پرسش «شوخوی با واژگان فرهنگستان از کجا می‌آید؟» مورد بررسی قرار گرفت و با چند مرتبه تحلیل، سه عامل اصلی و مشترک در مصاحبه‌ها به دست آمد. این افراد «دلایل سیاسی»، «توجه به زبان از جانب مردم» و «ضعف فرهنگستان در واژه‌گزینی» را سه عامل مهم مقاومت در برابر واژه‌های فرهنگستان می‌دانند. سپس، گفت‌وگوی رئیس فرهنگستان در مصاحبه با خبرنگاری تسنیم در ۲۷ شهریور ماه سال ۱۳۹۸ در پاسخ به سؤال «چرا معادل‌های فرهنگستان در میان مردم جا نمی‌افتد؟» مورد بررسی قرار گرفت و تحلیل محتوای آن نشان داد که «اشکال داشتن خود واژه» و «کوتاهی نهاد استفاده کننده از واژه» از دلایل عدم استقبال از واژگان مصوب فرهنگستان به حساب می‌آید. همچنین، گفت‌وگوی معاون گروه واژه‌گزینی فرهنگستان با باشگاه خبرنگاران

جوان در ۲۹ تیر ماه سال ۱۳۹۷ در پاسخ به سؤال «چرا مردم واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را استفاده نمی‌کنند؟» مورد بررسی قرار گرفت و «تبلیغ واژگان جدید مصوب از صدا و سیما» را راه موثر در پذیرش این واژگان دانست.

سپس، با استفاده از مفاهیم نظری مدرنیته و روشنگری و در رویکردی تحلیلی- تطبیقی سیر پیشرفت زبان‌های اروپایی و زبان فارسی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت تا علل پیشرفت این زبان‌ها و عقب‌ماندگی تاریخی زبان فارسی ریشه‌یابی شود و پیشنهادهایی جهت علمی شدن زبان فارسی ارائه گردد.

نظرات اساتید دانشگاه درباره عدم استقبال از واژگان مصوب فرهنگستان در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا:

الف: دلایل سیاسی

نظر اولین مصاحبه‌شونده:

«یکی از وجوه این مخالفت با فرهنگستان شخص رئیس فرهنگستان است. بعضی‌ها چون احیانا با ایشان مشکل سیاسی و مشابه آن دارند این را به بخش‌های مختلف فرهنگستان تسری می‌دهند. حالا کسانی که این قبیل مخالفت‌ها را دارند، این مخالفت‌ها را به لغاتی که فرهنگستان تصویب کرده و مایل است که مردم فارسی‌زبان آن‌ها را به کار ببرد، تسری می‌دهند.»
(خبرگزاری ایسنا ۱۱ خرداد ۱۳۹۹)

نظر دومین مصاحبه‌شونده:

«برخی افراد که عادت دارند همه‌چیز را سیاسی کنند، بدون هیچ دلیل و ضرورتی، واژه‌گزینی را که یک فرایند علمی و تخصصی است، به سیاست آلوده می‌کنند و سعی می‌کنند ذهن جامعه را نسبت به فرهنگستان و واژه‌گزینی که هیچ انسان وطن‌دوست و فرهنگ‌مداری در ضرورت آن شکی ندارد، حساس کنند.»
(خبرگزاری ایسنا ۳۱ خرداد ۱۳۹۹)

همان گونه که مشاهده می‌شود این دو مصاحبه‌شونده دلایل سیاسی را از دلایل عدم اقبال بخش‌هایی از جامعه به واژگان مصوب فرهنگستان می‌دانند. آن‌ها معتقدند مخالف با رئیس فرهنگستان و دیدگاه‌های سیاسی وی ممکن است به مخالف با واژه‌های نوساخته توسط این نهاد بیانجامد. بنابر نظر این مصاحبه‌شونده‌ها، دلایل عدم پذیرش واژگان مصوب در واقع دلایلی غیرزبانی‌اند و از مسایل سیاسی نشئت می‌گیرد. بنابراین، آلوده کردن واژه‌گزینی به سایر مسائل برون‌زبانی در حقیقت حساس کردن ذهن مردم به مسائل حاشیه‌ای است که در نهایت می‌تواند به مقبولیت این واژگان آسیب برساند. با توجه به وجود سلیقه‌های مختلف و گاه متضاد سیاسی در کشور، واژه‌های انتخاب شده توسط افراد متعلق به طیف‌های سیاسی خاص می‌تواند با ایجاد واکنش‌های سلبی به موضع‌گیری در برابر واژگان ساخته شده توسط فرهنگستان بیانجامد و پذیرش واژگان در جامعه را دست کم از سوی بخش‌هایی از مردم و کنشگران سیاسی و اجتماعی با دشواری‌هایی مواجه سازد.

ب: دلایل توجه به زبان از جانب مردم

نظر سومین مصاحبه‌شونده:

«ممکن است گاهی به طنز درباره اصطلاحات نوساخته صحبت شود که نشانه این است که مردم به زیانتشان و به واژه‌های مصوب فرهنگستان اهمیت می‌دهند. ممکن است کسی بنا بر ذائقه‌اش، واژه نوساخته‌ای را نپسندد یا برابرنهاد دیگری را به جای آن ترجیح بدهد، این طبیعی است. در مورد همه واژه‌های زبان می‌شود این بحث را پیش کشید؛ از واژه‌هایی که از قدیم داشتیم تا به امروز.»
(خبرگزاری ایسنا ۳ تیر ۱۳۹۹)

نظر چهارمین مصاحبه‌شونده:

«این که حالا مردم با واژگان پیشنهادی شوخی می‌کنند، به نظر من لزوماً چیز بدی نیست، حتی فکر می‌کنم این نشان می‌دهد دانش زبانی مردم بالا رفته که به فرآیندهای شکل‌گیری واژگان و ساختار واژگان دقت می‌کنند. قبلاً فقط برخی

خواص دغدغه واژه‌های پیشنهادی فرهنگستان را داشتند که در آثارشان منعکس می‌شد و بعضی از این واژه‌های پیشنهادی را نقد می‌کردند. ولی امروزه این مسئله عمومی‌تر شده و این شوخی‌ها نشان می‌دهد تعداد بیشتری از مردم دغدغه زبان فارسی را دارند و به نظر من این اتفاق خوبی است.» (خبرگزاری ایسنا ۱ تیر ۱۳۹۹)

نظر پنجمین مصاحبه‌شونده:

«در واقع با واژه‌های انتخاب‌شده سلیقه‌ای برخورد می‌شود. بسیاری از این نپذیرفتن واژه‌ها به عملکرد بد رسانه‌های الکترونیکی مربوط است که چیزهای خوب را ممکن است پس بزنند و نپذیرند.» (خبرگزاری ایسنا ۱۳ تیر ۱۳۹۹)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این مصاحبه‌شوندگان نیز دلایل سلیقه‌ای و توجه مردم به زبان را دلیل عدم اقبال برخی از مردم به واژگان فرهنگستان می‌دانند. به زعم این مصاحبه‌شوندگان، با توجه به افزایش دانش زبانی مردم و به تبع آن توجه به چگونگی فرایندهای واژه‌سازی در فرهنگستان ممکن است مردم برخی از واژگان مصوب را مورد تایید قرار ندهند و در برابر آن‌ها موضع‌گیری کنند. برخی از مصاحبه‌شوندگان شوخی با واژگان فرهنگستان را لزوماً حرکتی منفی تلقی نمی‌کنند و از افزایش حساسیت مردم به واژگان مورد استفاده استقبال می‌کنند؛ زیرا، دغدغه واژگان جدید را داشتن به دغدغه‌ای عمومی‌تر تبدیل شده است و نشان از افزایش آگاهی و حساسیت مردم نسبت به زبان و این نوواژه‌ها است.

ج: انتقاد از فرهنگستان و پیشنهادهایی جهت واژه‌گزینی

نظر ششمین مصاحبه‌شونده:

«با توجه به ساختار فرتوتی که فرهنگستان دارد - با احترام به استادانی که آنجا هستند - نمی‌تواند آن ادوات و معانی جدید را که می‌آید

و اصطلاحاتی را که در جامعه و بین نسل جوان توسعه پیدا می‌کند رصد کند؛ بنابراین شاهد این هستیم که عموماً فرهنگستان از ورود واژگان، ادوات و مفاهیم به زبان فارسی عقب است.» (خبرگزاری ایسنا ۲۰ خرداد ۱۳۹۹)

نظر هفتمین مصاحبه‌شونده:

«در واژه‌گزینی برای واژه‌های عمومی باید دقت بیشتری شود تا مورد پسند مردم باشد و احتمالاً جنبه شوخی پیدا نکند و مردم نسبت به آن‌ها حساسیت نداشته باشند.» (خبرگزاری ایسنا ۷ خرداد ۱۳۹۹)

نظر هشتمین مصاحبه‌شونده:

«شاید فرهنگستان هم در فرآیند واژه‌سازی در بعضی جاها خوب عمل نکرده باشد. اشکالی که در بعضی لغت‌ها هست و فرهنگستان‌های قبل هم آن را داشته‌اند این است که وقتی خواستند واژه بسازند به ریشه لغت رفته‌اند. تاکید زیاد فرهنگستان بر این‌که واسطه ارتباطش با مردم بیشتر صداوسیما باشد، کارآمد نیست.» (خبرگزاری ایسنا ۲۴ خرداد ۱۳۹۹)

نظر نهمین مصاحبه‌شونده:

«به نظر من درآوردن واژه‌سازی به صورت دولتی و این‌که فرهنگستان خودش را مکلف و متصدی این کار می‌داند غلط است. زبان در تبادل و در گفت‌وگوی مردم با هم به تدریج ساخته می‌شود و شکل می‌گیرد. لازم نیست کسی از بالا بخواهد آن‌ها را هدایت کند و به زور بخواهد واژه‌ای را تحمیل کند. برخورد «نظامی»، «تشکیلاتی» و «دولتی» با زبان کار درستی نیست.» (خبرگزاری ایسنا ۱۰ تیر ۱۳۹۹)

نظر دهمین مصاحبه‌شونده:

«اگر قرار است فرهنگستان داشته باشیم، باید یک مجمع علمی باشد که مجامع دانشگاهی در

انتخابش دخالت داشته باشند نه این‌که رئیس آن با حکم کسی انتخاب شود، این کار خوبی نیست، چون این منصب، منصبی حکومتی نیست و علمی است. این مسئله باعث شده است که یک جور مقاومت نسبت به کارهای فرهنگستان وجود داشته باشد.» (خبرگزاری ایسنا ۳۰ خرداد ۱۳۹۹)

مصاحبه‌شوندگان فوق عدم کارایی موثر فرهنگستان در واژه‌گزینی و ارتباط موثر با مخاطب را دلیل عدم توفیق واژه‌های فرهنگستان در جامعه می‌دانند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مصاحبه‌های فوق ضمن تایید پژوهش‌های اشاره شده در بخش مقدمه تحقیق حاضر مبنی بر عدم استقبال مردم از واژگان مصوب فرهنگستان به دلایل این امر اشاره می‌کنند. این اساتید زبان و ادب فارسی اعتقاد دارند که دلایل سیاسی یکی از علل مقاومت مردم در برابر واژگان فرهنگستان است. زیرا مخالفت با شخص رئیس فرهنگستان و علایق سیاسی وی سبب تسری دادن این مخالفت به سایر بخش‌های فرهنگستان و واژه‌های مصوب می‌شود و پذیرش این واژه‌ها را با دشواری مواجه می‌سازد. همچنین، یکی دیگر از علل مقاومت در برابر استفاده از واژگان فرهنگستان حساس شدن مردم به زبان فارسی است. به اعتقاد این اساتید با بالاتر رفتن دانش زبانی مردم حس کنجکاوی به فرایندهای واژه‌گزینی بیشتر می‌شود و ممکن است هر واژه‌ای باب طبع مردم قرار نگیرد. ساختار فرتوت فرهنگستان و عدم ارتباط موثر این نهاد با مردم نیز از دیگر عوامل عدم استقبال مردم از واژگان فرهنگستان به شمار می‌رود. این اساتید ارتباط فرهنگستان از طریق مجاری غیررسمی مانند رسانه‌های مجازی با مردم را در افزایش مقبولیت واژگان مصوب موثر می‌دانند.

نظر رئیس فرهنگستان درباره عدم استقبال از واژگان مصوب این نهاد در مصاحبه با خبرگزاری تسنیم:

د: توجه به نقش رسانه‌ها در جا افتادن واژگان مصوب

«باید استدلالی پشت اینکه چرا یک کلمه رواج نمی‌یابد، باشد. گاه اشکال از خود کلمه است، گاه هم کوتاهی از جانب دستگاه‌هایی است که باید این

کلمات را به کار ببرند، اما نمی‌برند. مردم به برخی از کلمات عادت کرده‌اند و ترک عادت هم سخت است. من نمی‌گویم هر کاری که ما کردیم، بی‌عیب است، می‌گویم مردم عادت کردند و آن کس که باید این عادت را از سر آنها را ببندازد، رسانه‌ها هستند.» (خبرگزاری تسنیم ۲۷ شهریور ۱۳۹۸)

طبق مصاحبه رئیس فرهنگستان واژگان طولانی و واژگانی که از نظر آوایی اشکال دارند و یا معنا را نمی‌رسانند از دلایل عدم مقبول عام یافتن واژگان در بین مردم است و دلیل دیگر هم عدم به کارگیری واژه توسط نهادی است که می‌باید آن را مورد استفاده قرار دهد. وی ادامه می‌دهد که رسانه‌ها نقش مهمی در تشویق مردم به استفاده از واژگان مصوب فرهنگستان دارند و در واقع این رسانه‌ها هستند که می‌باید عادت مردم در به کارگیری واژگان قدیمی را تغییر دهند و آنان را با واژه‌های جدید آشنا سازند.

نظر معاون گروه واژه‌گزینی فرهنگستان درباره عدم استقبال از واژگان مصوب این نهاد در مصاحبه با باشگاه خبرنگاران جوان:

«تغییر عادت کار مشکلی است. اعتقاد داریم واژه‌هایی که می‌سازیم برای نسل بعد است. خود ما که این معادل‌ها را می‌سازیم ممکن است یک لحظه مثلاً بگوییم فکس کن و لحظه دیگر بگوییم دورنگار کن. این بسته به عادت است که هر فرد دارد. یعنی پذیرش واژه‌ها تا حد زیادی عادت شده است. اگر جامعه معادل را از صدا و سیما و رسانه‌ها بشنود و در کتاب‌های درسی بخواند، همان را به کار می‌برد.» (باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۹ تیر سال ۱۳۹۷)

بر طبق نظر معاون گروه واژه‌گزینی، تبلیغ واژگان در صدا و سیما و سایر رسانه‌ها و همچنین گنجاندن واژگان مصوب در کتب درسی در پذیرش و به کارگیری این واژگان تأثیر بسزایی دارد. وی معتقد است که عدم استفاده از واژگان جدید مصوب توسط مردم به علت عادت کردن آنان به استفاده از واژگان موجود در زبان است و فرهنگستان واژگان جدید را بیشتر برای استفاده نسل‌های آینده می‌سازد. تاکید بر نقش رسانه‌ها در ترغیب مردم به استفاده از واژگان

مصوب در گفت‌وگوهای رئیس و معاون گروه واژه‌گزینی فرهنگستان به چشم می‌خورد. از بررسی‌های فوق چنین به نظر می‌رسد که اکثر مصاحبه‌شوندگان بر عدم پذیرش شایسته واژگان مصوب فرهنگستان از سوی جامعه اتفاق نظر دارند و هر کدام به جنبه‌ای از این واقعیت اشاره می‌کنند.

با توجه به مصاحبه‌های فوق و نظرات اساتید دانشگاه و مسئولین اجرایی فرهنگستان چنین به نظر می‌رسد که مسئولین فرهنگستان بیشتر به نقش رسانه‌ها و به‌خصوص صدا و سیما در جا افتادن واژگان توجه دارند؛ در حالی که، اساتید دانشگاه بیشتر به عواملی چون نقش مردم در پذیرش واژگان و نواقص کار فرهنگستان در واژه‌سازی تاکید می‌کنند و کمتر به نقش رسانه‌ها می‌پردازند. این اساتید دانشگاه با انتقاد از ساختار و سازمان فرهنگستان، عدم جا افتادن واژگان را بیشتر به عملکرد فرهنگستان نسبت می‌دهند و کمتر به نقش رسانه‌ها در این زمینه می‌پردازند.

حال، در بخش بعدی تحقیق با رویکردی تحلیلی، تطبیقی به بررسی بسترهای فکری برآمدن زبان‌های علمی اروپایی خواهیم پرداخت و با پرداختن به جریان‌های روشنگر و ضدروشنگر در غرب که به ظهور روح علمی و به تبع آن زبان علمی منجر شد به بررسی جریان‌های خردگرا و ضد خردگرا در جهان اسلام خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد چگونه جوانه‌های روح علمی در دوران اوج تمدن اسلامی که می‌توانست زبان آن را نیز در بطن ذهنیت علمی و پیشرفت‌های حاصل از آن تقویت کند با برتری مکتب اشاعره بر معتزله رو به افول نهاد و در دوران معاصر نیز وابستگی به غرب و مصرف‌گرایی حاصل از آن، شرایط رشد و بالندگی مجدد روح علمی را سلب نموده است و زبان فارسی را در وضعیت دشواری قرار داده است.

۴. بحث و بررسی

با بررسی جریان‌های ضدروشنگری و خردگرایی در غرب تفاوت این جریان‌ها با جریان‌های خردگرایی در جهان اسلام آشکار می‌شود. در واقع، وجه اشتراک جریان‌های ضدروشنگری در غرب تاکید بر مفهوم اومانیزم و توانایی انسان در پاسخ‌گویی به تمامی مسائل زندگی مدرن است.

تاکید بر حق فرد بر اندیشیدن مستقل و اهمیت روحیه انتقادی در به چالش کشیدن باورهای مسلط در جهان وجه اشتراک تمامی جریان‌های ضدروشنگری در غرب می‌باشد. درست به همین علت است که جهان غرب با وجود جریان‌های قوی خردگرای همچنان روحیه علمی و توانایی نقادی انسان را در خود پروراند، که این امر همراه با تجربه‌باوری و علم‌باوری انسان مدرن منجر به رشد شتابان علم در جهان غرب شد و زبان‌های اروپایی نیز در بستر این رشد علمی تکامل یافتند و صورت علمی به خود گرفتند.

اما، مقایسه تحولات فکری جهان اسلام با دنیای غرب نشان می‌دهد که جریان‌های ضدروشنگری در جهان اسلام برخلاف هم‌تایان غربی خود سبب زوال اندیشه‌گری و علم‌باوری در انسان شرقی شدند، موضوعی که سبب عقب ماندن تاریخی جهان اسلام از غرب شد که تاکنون نیز ادامه یافته است. این عقب‌ماندگی تاریخی که به انفعال ذهنی انسان شرقی انجامید و عاملیت و کنشگری وی را تحت تأثیر خود قرار داد در دوران معاصر نیز با ورود لجام‌گسیخته اندیشه غربی به کشور از راه ترجمه به حال خود باقی مانده است و ذهن انسان شرقی نتوانسته است واپس‌ماندگی تاریخی خود را چاره‌جویی کند. بنابراین، جریان‌های راسیونالیستی و ضد راسیونالیستی در جهان شرق و غرب از تفاوتی ماهوی برخوردارند که منجر به ظهور نتایجی متفاوت در این دو جهان شده است. افول روحیه پیشرفت علمی، زبان فارسی را از بستر مناسب توسعه علمی محروم ساخت، مسئله‌ای که تبدیل شدن آن را به زبان علمی با دشواری‌هایی مواجه کرده است.

به زعم نگارنده این سطور، مباحث گفته شده در بالا روشن می‌سازد که چرا مسئله زبان علم در ایران به صورت چالشی حل نشده باقی مانده است. بررسی‌های فوق نشان می‌دهد که افول جنبش‌های خردگرا در دوران شکوفایی تمدن اسلامی در قرون سوم و چهارم هجری و ورود سیل‌وار اندیشه غربی به کشور در دوران معاصر که انگیزه و فرصت تفکر را از انسان ایرانی سلب کرده است زمینه‌ساز جدایی زبان فارسی از زبان علم شده است و این زبان را رودروری تنگناهای بزرگ واژگانی و دستوری خود قرار داده است. روح علمی و انگیزه پیشرفت و تلاش بی‌وقفه

اروپاییان از دوران رنسانس به این سو سبب تکوین و تکامل زبان غربی در بطن این پیشرفت‌ها شده است؛ زیرا، زبان علم به یکباره شکل نمی‌گیرد و امکاناتش را نیز به یک باره خلق نمی‌کند. به دیگر سخن، شکل‌گیری تفکر و روح علمی و به تبع آن زبان علمی محصول یک تجربه درازآهنگ فرهنگی است. بنابراین، زبان فارسی که به لحاظ تاریخی فاقد زمینه‌های مناسب رشد و بالندگی علمی بود را نمی‌توان تنها با ترجمه اصطلاحات غربی توسط فرهنگستان علمی کرد؛ طرفه آنکه، حتی معادل‌های فارسی واژگان غربی نیز با استقبال در خور توجه مخاطبان ایرانی مواجه نمی‌شوند. آنچه زبان‌های غربی را جایگاهی علمی بخشید همانا بستر مناسب توسعه علمی، فکری و اندیشگانی انسان غربی بود که به مدد آن این زبان‌ها بالیدند و تکامل یافتند. حال، زبان فارسی که بازتاب تمام‌نمای وضعیت تاریخی انسان ایرانی در برابر غرب است را نمی‌توان به حکم ناتوانی‌اش در پاسخ‌گویی به مسائل زندگی مدرن سرزنش کرد؛ زیرا، این زبان فاقد بسترهایی هست که در زندگی انسان غربی پدید آمده است.

بعلاوه، عینیت‌گرایی و واقع‌گرایی حاصل از مدرنیته زبانی دقیق و به دور از تعصبات فرهنگی و اجتماعی طلب می‌کرد تا انسان غربی با زبانی روشن و گویا به شناخت ابزهای مورد مطالعه خود بپردازد. در واقع، این نگاه پارادایمی به زبان در راستای بینش فلسفی مدرنیستی به جهان بود که با تاکید بر جدایی فاعل شناسا از موضوع شناسایی سعی در شناخت دقیق تمامی ابعاد جهان با زبانی دقیق و به دور از تعصبات فرهنگی را داشت. اما، با افول اندیشه خردگرایی در جهان اسلام انسان ایرانی از ذهنیت علمی به دور افتاد و زبان فارسی نیز از حرکت به سوی زبانی شفاف و دقیق بازماند. در دوران معاصر نیز ترجمه بی‌امان اندیشه غربی فرصت تفکر اصیل و ناب را از انسان ایرانی ربوده است. این روند تاریخی سبب شده است تا ذهن انسان ایرانی از ذهنی دقیق و شفاف که از ملزومات فلسفه و دنیای مدرن است به ذهنی استعاره‌ای و پرابهام بدل شود؛ و در نتیجه، زبان آن نیز از بیان دقیق مفاهیم ژرف و عمیق دنیای مدرن ناتوان بماند و بسیاری از ظرافت‌های مفهومی آن را نشاناسد.

فرهنگستان زبان فارسی جهت حل این مشکل، معادل‌یابی و ترجمه اصطلاحات خارجی را در دستور کار خود قرار داده است. این تلاش‌ها جهت حفظ هویت زبان فارسی و علمی کردن آن کوشش‌هایی ارزنده‌اند؛ اما، به زعم نگارنده این سطور تلاش جهت علمی کردن زبان فارسی صرفاً از طریق ترجمه واژگان، نوعی سطحی‌نگری و تقلیل دادن مسئله زبان علم است؛ زیرا، این اندیشه را در ذهنیت ایرانی القا می‌کند که با فارسی کردن واژگان خارجی به کنه علم رسیده و همه جوانب مختلف آن را نیز درک کرده است. توجه به روند پیدایش زبان‌های علمی اروپایی نشان می‌دهد که این زبان‌های مدرن جدای از روح علمی و ذهنیت علمی امکان رشد و تکامل نمی‌یافتند.

به نظر می‌رسد که در دوران کنونی تجربه نهضت ترجمه بغداد و نگاه خاص آنان به ترجمه که این عمل را نه به معنای انتقال بی‌چون‌وچرای اندیشه خارجی بلکه نقد، اصلاح و ارزیابی این اندیشه‌ها تلقی می‌کردند می‌تواند در پرورش روحیه علمی و انتقادی انسان ایرانی موثر واقع شود و وی را از تماشاگری منفعل به کنشگری فعال در برابر افکار غربی بدل نماید. نقد و سنجش آرای غربی با بیدار کردن عاملیت انسان ایرانی ذهنیت علمی را در وی پرورش می‌دهد و با صراحت بخشیدن به نکات ضعف و قوت اندیشه‌اش وی را در مسیر پیشرفت علمی و اندیشه‌ای قرار می‌دهد.

۵. نتیجه‌گیری

فرهنگستان زبان و ادب فارسی در راستای علمی کردن این زبان اقدام به ترجمه واژگان تخصصی رشته‌های مختلف به زبان فارسی می‌کند. با این حال، این واژگان مورد استقبال جامعه ایرانی قرار نمی‌گیرند و در اکثر موارد بلااستفاده باقی می‌مانند. اما، صرف ترجمه واژگان غربی زبان فارسی را زبانی علمی نمی‌کند؛ زیرا، زبان‌های علمی غربی به یکباره و با ترجمه واژگان لاتین به مرتبه زبان علمی نرسیده‌اند؛ بلکه، در طی حیات اجتماعی انسان غربی از دوران رنسانس به این سو در بطن پیشرفت‌های علمی و علم‌باوری رشد کرده‌اند و در طی این فرایند تاریخی به تدریج تکامل یافته و علمی شده‌اند. روحیه خردگرایی در غرب با وجود

جریانات خردگرایانه نه تنها دچار افول نشد؛ بلکه، همه این جریانات ضد راسیونالیستی بر روحیه شک‌گرایانه انسان مدرن و توانایی وی در نگاه نقادانه به موضوعات جهان مهر تایید زدند و همین روحیه و نگاه نقادانه است که روح علمی و انگیزه شناخت تمام‌عیار جهان را در وی زنده کرده است. اما، انسان ایرانی در تلاش جهت یافتن نسبت خود خرد در جهان اسلام و حرکت‌های بنیادگرایانه که مهم‌ترین هدفشان مبارزه با خرد آدمی بود راه را جهت شکوفا شدن اندیشه خردگرای معتزله در جهان اسلام بست و جوانه‌های تفکر عقل‌گرا را که اندیشمندانی چون ابن‌سینا، رازی، خوارزمی و ابوریحان بیرونی شماری از نمایندگان آن بودند از بین برد. از این دوران به بعد تفکر انسان ایرانی با ذهنیت و روح علمی فاصله گرفت و زبان فارسی نیز به‌عنوان زبانی پیشامدرن باقی ماند. حال، با قبول این واقعیت که اندیشه‌های غربی حضوری پررنگ در تبادلات اندیشه‌ای جهانی دارند ترجمه‌های انتقادی از آثار غربی می‌تواند با کمک به رشد ذهنیت مستقل انسان ایرانی انفعال ذهنی وی در برابر تفکر غربی را کاهش دهد و ترجمه را از فرایندی مکانیکی به پروژه‌ای فکری و فرهنگی تبدیل کند. در این صورت زبان فارسی نیز که بازتاب ناگزیر واپس‌ماندگی‌ها و فروبستگی‌های طبیعی و تاریخی انسان ایرانی است مجال آن را می‌یابد که با همگامی با پویایی اندیشه ایرانی به نوسازی خود پردازد و به تدریج به جایگاه زبان علمی ارتقا یابد.

بنابراین، در نظر محقق حاضر آنچه زبان فارسی را زبانی علمی خواهد کرد چیزی نیست جز پروراندن روحیه علمی در میان ایرانیان، تزریق انگیزه شناخت بی‌امان جهان، بسط گفتمان تولید علم و احترام و علاقه واقعی به دانش که می‌تواند با پروراندن روحیه علمی در کشور ذهنیت علمی را در میان ایرانیان پروراند و زبان فارسی نیز در کنار این اندیشه‌ورزی‌ها رشد یابد و تکامل پیدا کند.

پژوهش حاضر را می‌توان در راستای نظرات **ملانظر (۱۳۹۵)** و **شوقی جلال (۱۳۹۵، Shogi jalal)** دانست که ترجمه انتقادی آثار غربی و اکتفا نکردن به ترجمه صرف این آثار را روشی موثر جهت حفظ و بازیابی اندیشه ایرانی

در برابر اندیشه غربی می‌دانند. این پژوهش همچنین سایر تحقیقات اشاره شده در پیشینه پژوهش را به فراتر رفتن از نگاهی صرفاً زبانی به مسئله زبان علم و پرداختن به لایه‌های عمیق‌تر این مسئله تشویق می‌کند. پژوهش‌های آینده می‌تواند با بررسی تجربه سایر زبان‌های پیشامدرن در مواجهه با تمدن غرب، راهکارهای آنان در رویارویی با مدرنیت و مسائل زبانی آن را در پاسخ‌گویی به نیازهای داخلی مورد توجه قرار دهند.

تحقیقات آینده می‌تواند ضمن بررسی دلایل اجتماعی و فرهنگی عدم استقبال مطلوب بخش‌هایی از جامعه ایران از واژگان مصوب فرهنگستان نقش احساسات ملی‌گرایانه ایرانیان و هویت ملی را در ترجیح واژه‌های فارسی یا فارسی‌تبار مورد بررسی قرار دهند. نکته قابل توجه اینکه احساسات ملی‌گرایانه جامعه ایران چه تأثیری در استفاده از واژگان فارسی دارد و در انتخاب بین واژگان خارجی و بومی هویت ملی و احساسات ناسیونالیستی در کجای ماجرا قرار می‌گیرد. تحقیقات آینده همچنین می‌تواند ضمن بررسی بخش‌هایی از تاریخ ایران مانند سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی که روشنفکران ایرانی نوعی بومی‌گرایی و بازگشت به خویشتن را ارج می‌نهادند و با سلاح سنت به مبارزه تمام‌عیار با مصادیق مدرنیتیه در جامعه برخاسته بودند به این مهم پردازند که اوج‌گیری عواطف ملی‌گرایانه در برهه‌هایی خاص، از منظر زبانی چه تأثیری در گزینش و استفاده نخبگان سیاسی و عامه مردم از واژگان فارسی و ترجیح آن به عناصر بیگانه خارجی داشته است. این تحقیقات می‌تواند ضمن بررسی طبقات مختلف اجتماعی در دوران‌های مختلف تاریخ ایران به بررسی این نکته پردازند که آیا طبقات سنتی‌تر جامعه ایرانی مانند طبقه متوسط سنتی الزاماً اقبال بیشتری از واژگان فارسی می‌کنند؛ یا، اعضای این طبقه نیز همچون سایر طبقات اجتماعی استفاده از واژگان خارجی را ترجیح می‌دهند؟ و آیا علت این امر نبود خود آگاهی زبانی در بین طبقه اجتماعی خاصی است؟ و یا واقف نبودن به اهمیت استفاده از واژگان بومی است؟ یا دلایل دیگری دارد؟

منابع

- امامی، کریم (۱۳۸۵). *از پست و بلند ترجمه جلد دوم*. تهران: انتشارات نیلوفر.
- ابراهامیان، یرواند (1982). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی (۱۳۹۸). تهران: نشر نی.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۷). *زبان باز، پژوهشی درباره زبان و مدرنیت*. تهران: نشر مرکز.
- آقاجانلو، امیر (۱۳۹۵). *تجربه ترجمه تاملی انتقادی در بازتولید تهذیب ترجمه در جهان اسلام*. *مجله علوم انسانی و اسلامی*، ۵(۲۰)، ۱۳۱-۱۳۴.
- جمالی، مریم (۱۳۹۰). *بررسی میزان مقبولیت واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه علوم پزشکی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان..
- خانزاده، حمید علی (۱۳۹۵). *بررسی میزان پذیرش واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در میان دانشجویان دانشگاه‌های مشهد*. *همایش ملی ترجمه و مطالعات میان رشته ای*، ۱۳۹۵.
- رخشان، شیرین (۱۳۹۲). *بررسی و ارزیابی فعالیت‌های واژه‌گزینی فرهنگستان سوم زبان و ادب فارسی از نظر بخشی از دانشگاهیان دانشگاه شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- رستمی، اعظم (۱۳۹۳). *بررسی میزان کاربرد واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در گونه علمی زبان فارسی مطالعه موردی وند «ترا»*. *نخستین همایش آموزش زبان فارسی: اسفند ۱۳۹۳*.
- روزنتال، فرانتز (۱۳۸۶). *میراث کلاسیک اسلام*. ترجمه علیرضا پلاسید. تهران: انتشارات طهوری.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۸). *ترکیب و اشتقاق دو ابزار واژه‌سازی*. *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- شوقی، جلال (۱۳۹۵). *عرب و ترجمه؛ بحران یا موقعیت فرهنگی*. *مجله علوم انسانی و اسلامی*، ۵(۲۰)، ۱۰۸-۱۱۵.
- فاخوری، حنا و جر، خلیل (۱۳۹۳). *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کافی، علی (۱۳۷۴). *مبانی علمی واژه‌سازی و واژه‌گزینی*. *نامه فرهنگستان*، ۱(۲)، ۶۷-۴۹.
- کرین، هانری (۱۳۷۳). *تاریخ فلسفه اسلامی*. ترجمه سید جواد طباطبایی، تهران، کویر.
- کشاوری، پریسا (۱۳۸۸). *بررسی میزان کاربرد واژه‌های سیاسی مصوب فرهنگستان زبان در بخش سیاسی مطبوعات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- گلکار، آبتین، احمدی، میریلا، سیدآقای رضایی، سیده مهنا. (۱۳۹۰). *بررسی وام‌واژه‌های روسی در گویش مازندرانی*. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبانهای خارجی* 1(2), 67-79
- گوتاس، دیمیتری (۱۳۸۱). *تفکر یونانی، فرهنگ عربی*. ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- معصومی همدانی، حسین (۱۳۸۲). *واژه‌گزینی و استقلال زبان فارسی*. *مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ملائر، حسین (۱۳۹۵). *تبارشناسی ترجمه علوم در ایران*. *مجله علوم انسانی اسلامی*، ۵(۲۰)، ۱۶۱-۱۶۹.

منصوری، رضا (۱۳۷۴). چرا و چگونه زبان فارسی زبان علمی ما باشد؟ نشر دانش، شماره ۸۸.

منصوری، رضا (۱۳۷۸). واژه‌گزینی: تهاجم یا تظریف فرهنگی. مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

میردام سلامه کار (۱۳۷۵). بغداد کانون ترجمه عربی. ترجمه کریم امامی. مترجم، ش ۲۱-۲۲. صص ۵۱-۵۴.

نعمت زاده، شهین (۱۳۷۸). استدلال در واژه‌گزینی. مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

مخالفت با واژه‌های فرهنگستان یا آدم‌هایش؟ (۱۱ خرداد ۱۳۹۹). برگرفته از

<https://www.isna.ir/news/99031005836/>

وقتی واژه‌گزینی سیاسی می‌شود. (۳۱ خرداد ۱۳۹۹). برگرفته از

<https://www.isna.ir/news/99032717935/>

چرا با واژه‌های فرهنگستان شوخی می‌شود؟ (۳ تیر ۱۳۹۹). برگرفته از

<https://www.isna.ir/news/99040201791/>

چرا شوخی با واژه‌های فرهنگستان خوب است؟ (۱ تیر ۱۳۹۹). برگرفته از

<https://www.isna.ir/news/99033119858/>

نگاهی به ورود واژه‌های جدید به زبان (۱۳ تیر ۱۳۹۹). برگرفته از

<https://www.isna.ir/news/99041108910/>

مقایسه مدیری و فردوسی‌پور با فرهنگستان (۲۰ خرداد ۱۳۹۹). برگرفته از

<https://www.isna.ir/news/99031911995/>

چرا شوخی با واژه‌های فرهنگستان؟ (۷ خرداد ۱۳۹۹). برگرفته از

<https://www.isna.ir/news/99030603254/>

واژه‌های عجیبی که رایج شدند (۲۴ خرداد ۱۳۹۹). برگرفته از

<https://www.isna.ir/news/99032113737/>

انتقاد از برخورد «دولتی» با زبان (۱۰ تیر ۱۳۹۹). برگرفته از

<https://www.isna.ir/news/99040907097/>

زبان‌های جعلی و مقاومت در برابر فرهنگستان (۳۰ خرداد ۱۳۹۹). برگرفته از

<https://www.isna.ir/news/99032717934/>

چرا مردم واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را استفاده نمی‌کنند؟ (۲۹ تیر ۱۳۹۷). برگرفته از

<https://www.yjc.news/fa/news/6602333/>

چرا معادل‌های فرهنگستان در میان مردم جا نمی‌افتد؟ (۲۷ شهریور ۱۳۹۸). برگرفته از

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/06/27/2098986/>

Beiser, F.C. (2006). *The Romantic imperative: The concept of early German*. Cambridge: Harvard University Press.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qual. Res. Psychol.* 3, 77–101. doi: 10.1191/1478088706qp0630a

Burke, P. (1964). *The renaissance*. London: Longmans.

Corrick, J. A. (2006). *The renaissance*. Farmington Hills: Lucent.

Dunne, J.M. (1999). *The enlightenment*. Farmington Hills: Lucent.

- Foucault, M. (1982). Truth, power, self: An interview with Foucault. In Luther H. Martin, Huck
- Gary, J. (1995). *Enlightenment's wake*. London: Routledge.
- Gay, P. (1969). *The enlightenment: An interpretation. Vol 2, the science of freedom*. New York: Knopf.
- Hale, J. (1993). *The civilization of Europe in the renaissance*. New York: Atheneum.
- Hicks, S.R.C. (2011). *Explaining postmodernism: skepticism and socialism from Rousseau to Foucault*. New York: Ockham's razor.
- Lyotard, J.F. (1984). *The postmodern condition: a report on knowledge*. University of Minnesota Press.
- Rousseau, J.C. (1762). *The social contract*. France.